

کانون وکلا

شماره پانزدهم

مرداد ماه ۱۳۲۹

سال دوم

لزوم وحدت و تمرکز سازمان قضائی و قوانین آن

بقیه قسمت پنجم - وزارت کشور

در شماره ۱۴ فهرست شد که در پنج مورد کارمندان و ادارات تابعه وزارت کشور نسبت بقوه قضائیه و حقوق و وظایف آن قدرت تخطی یافته اند مورد اول آن با وضع و اجرای قانون جلوگیری از تصرف عدوانی که در آن شماره معایب و طریق اصلاح آن ذکر و تشریح شد. اینک بقیه آن موارد:

۲ - قانون مأمورین صلح مرداد ماه ۱۳۰۹ شامل ۱۵ ماده که از اول شهریور ماه ۱۳۰۹ قابل اجراء مقرر شده است:

در این قانون بمأمورین صلح در دعاوی حقوقی تلویحاً تا پنجهزار ریال صلاحیت رسیدگی داده شده است - باین ترتیب که در دعاوی که مدعی به آن از دوپست ریال بیشتر نیست مأمور صلح بارعایت ماده ۳۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب تیرماه ۱۳۰۷ شخصاً رسیدگی کرده حکم خواهد داد و این حکم قابل استیناف و تمیز نیست. و آن قسمت از دعاوی که خواسته یا مدعی به آن از دوپست ریال بیشتر ولی از پنجهزار ریال تجاوز نکند

بحکمیت ارجاع میکند و از حکمی که مأمور صلح بر طبق حکم حکم میدهد میتوان استیناف داده. مرجع شکایت استینافی این احکام محکمه بدایتی است که مأمور صلح در حوزه آن مأموریت دارد و طرز ارجاع امر بحکمیت و تعیین حکم و طرز رسیدگی حکم و اجرای احکام و قرارها موکول بنظا، نامه های وزارت عدلیه شده است :

ماده ۳۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه که مأمورین صلح در رسیدگی و صدور حکم نسبت بدعاوی دوپست ریالی مکلف بر رعایت آن شده اند این است :

« اشخاصیکه میخواهند در محاکم صلح نواحی اقامه دعوی نمایند نمیتوانند ادعای خود را که ناشی از يك مدرک است تجزیه کرده و برای هر قسمت عرضحال جداگانه بدهند مگر آنکه در محکمه مزبور از بقیه ادعای خود صرف نظر نمایند » :

ولی این ماده بموجب قسانون اصلاحی اصول تشکیلات عدلیه مصوب ششم دیماه ۱۳۱۵ حذف و الفاء گردیده است :

در امور جزائی هم بمأمورین صلح صلاحیت داده شده است که بدعاوی حقوقی و جنحه های کوچک رسیدگی کرده حکم بدهند و حکم مزبور بشرط آنکه محکوم به آن از پنجاه ریال نقد و یا دو روز حبس تجاوز کند قابل استیناف است ولی حکم استینافی در این موضوع قابل تمیز نیست :

در جنحه های مهم و جنایات نیز بمأمورین صلح سمت مستنطقی و حق صدور و اجرای قرار توقیف، متهم برای جلوگیری از فرار یا تبانی یا معوی آثار جرم داده شده است :

مرجع شکایت و حل اختلاف در این قسمت هم محکمه بدایتی است که مأمور صلح در حوزه آن مأموریت دارد با این تفاوت که حکم استینافی را در این قسمت قابل شکایت در محکمه بالاتر ندانسته و ولی در قسمت حقوقی چنین تجدیدی نشده است :

ماده ۱۲ این قانون تعیین اینکه چه قسمت از عایدات بمأمور صلح و اجزاء دفتری و اجرایی او داده میشود و چه قسمت عاید خزانه دولت میگردد را

موکول بنظامنامه‌های وزارت عدلیه نموده سپس در ماده ۱۳ وزارت عدلیه را مجاز میکند بهر نایب‌الحکومه ای که شایسته بداند سمت مأموریت صلح بدهد و در این صورت نایب‌الحکومه را در انجام وظایفی که مطابق این قانون با او معمول است مسئول وزارت عدلیه قرار داده که از این حیث بتخلقات اداری او با استحضار وزارت داخله در محاکم اداری وزارت عدلیه رسیدگی خواهد شد و تجدید نظر در محکمه انتظامی بعمل خواهد آمد و حکم آن محکمه قطعی است :

حوزه مأموریت مأمورین صلح طبق ماده ۱۴ این قانون مطابق نظامنامه وجدولی است که بتصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی خواهد رسید . ولی جای تعجب است که نه در این مورد و نه برای طرز ارجاع امر بحکمیت و تعیین کیفیت رسیدگی حکم و اجرای احکام و قرارها که بنظامنامه‌های وزارت عدلیه شده و از ضروریات اساسی اجرای این قانون است مقرراتی وجود نیافته و فقط مورخ ۱۳۱۲/۱۲/۲۲ نظامنامه ای بعنوان نظامنامه مهاجر دفتری مأمورین صلح تنظیم و در تاریخ ۱۳۰۲/۱۰/۱۳ و ۱۴/۸/۱۴ متعقب بدو قره اصلاح و افزایش شده است که چندان مورد نظر نیست :

در بیان علل و موجبات وضع این قانون ممکن است گفته شود که چون در قراء و حتی قصبات دور و نزدیک مملکت مدعی به دعاوی حقوقی غالباً از پنجهزار ریال تجاوز نمیکنند و موضوعات مالی یا غیر مالی دعاوی هم در این نقاط چندان قابل توجه نیست و برعایت حال و استعداد مادی متداعیین صلاح است که این قبیل قضایا در همان محل و حتی الامکان از طریق حکمیت حل و فصل شود . همچنین از نظر کیفری و انتظامی حوادث و اتفاقاتی در آنجا ها رخ میدهد، که بایستی بافوریت تعقیب یا اصلاح شود و بودجه کشور گنجایش آنرا ندارد که برای هر قسمت کوچک مملکت دادگاه مخصوص تشکیل گردد پس جمع بین الجهات این خواهد بود که نایب‌الحکومه ها یا بخشدار ها صلاحیت یافته در این قبیل دعاوی و حوادث رسیدگی و مداخله نمایند .

بمقیده نگارنده علل و موجبات مزبور مجوز چنین اقدامی نیست زیرا :

اساساً مداخله و صلاحیت دادن نایب الحکومه ها (یا بخشدارها که از مامورین و کارمندان قوه مجریه هستند) ولو با داشتن شرایط قانونی در امور قضائی برخلاف اصل انفکاک قوای مصرح در اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی است چه رسد باینکه برای انتخاب آنها جز شایستگی لاعلی تعیین در نظر وزارت عدلیه هیچگونه قید و شرط مصرحی ذکر نشده است :

بعلاوه دعاوی دویست ریالی یا دو هزار ریالی و نظائر مالی یا غیر مالی آن در زندگانی یک نفر رعیت و دهقان همان اندازه مؤثر است که دعاوی بیست هزار ریالی و مافوق آن نسبت باشخاص متوسط و عالی و چون اهالی مملکت در بهره مندی و استفاده از حقوق ملی (که از آن جمله دادگستری است) مساوی میباشند فوق العاده برخلاف عدالت و وجدان است که در اجرای عدالت تبعیض شده نسبت بحقوق متمولین و شهر نشینان بسا نظر دقت و در درجات سه گانه رسیدگی شود ولی همینکه نوبت بکشاورزان و توده دورافتاده از مراکز قضائی رسیده بامسأله رفتار و مداخله در امور مالی و جانی آنان بدست کارمندان کوچک یا رتبه یک قضائی و بدتر از همه بخشداران (که اصلاً موریت اساسی آنها فقط حفظ انتظامات اداری حوزه تصدی آنهاست) سپرده شود آنها هم بامحدودیت رسیدگی بیک درجه در قسمتی و ارجاع بدآوری در قسمت های بالنسبه مهم دیگر که با اخلاق امروزی غالباً بر پایه صورت سازی و استفادات جریبان داشته و دستخوش اغراض می باشد :

توجه باین نکات بی اندازه مهم است تا بحدی که در برابر آن ملاحظه بودجه و جنبه مالی کشور بینهایت درجه ضعیف می باشد چرا که تحکیم مبانی امنیت قضائی و بسط و تعمیم عدالت بتمام نقاط از شرایط اساسی حفظ استقلال و سعادت کشور می باشد و لازمه آن هر خرجی است که مقتضی باشد . پس فریضه دولت است که با الغاء این قانون و تشکیل دادگاههای سیار حقوق و امنیت همه اهالی مخصوصاً زحمت کشان و کسانی را که دسترسی بمراکز قضائی ندارند حفظ کرده از این راه رفاهیت و عدالت اجتماعی را برای عموم تامین نماید :

بقرار مسوع در پاره ای از ممالک اروپائی که دارای اصول حکومت

دمکراسی قدیم و بالنسبه کاملی هستند همینکه قضات دیوان کشور بازنشسته میشوند بتصدی دادگاههای بخش و ناحیه مشغول شده و باشخصیتی که دارند قضایا را بطوری مطلوب جریان داده حل و فصل میکنند. پس چه بهتر که ما هم از این رویه بسیار مستحسن تبعیت کرده و از وجود آقایان مستشاران بازنشسته دیوان عالی کشور خود در این زمینه استفاده نمایم - باین ترتیب که وزارت دادگستری قراء و قصبات کشور را از نظر امور قضائی بنواحی متعدد و مختلفی تقسیم نموده و برای سر پرستی آن این قضات عالیقام را (البته با دادن فوق العاده و هزینه مسافرت) دعوت بهم کاری نماید. اینان که امتحان عدالت پروری و پرهیز کاری را در طی دوره های عمل متمادی خود از هر جهت داده و دارای تجربه کامل نسبت بکلیه جریانات قضائی هستند بخوبی میتوانند با داشتن سمت حاکم سیار بسیر در اکناف کشور و افاضه معامدخود پرارخته مانندفرشته رحمت داد خواهی بی چارگان را مورد توجه و رسیدگی قرار داده پدرانۀ اختلافات اهالی راحتی الامکان با مسالمت واگر نشد با اجرای قانون و عدالت حل و تصفیه نمایند. و بدیهی است که درچنین صورت اگر هم رسیدگی و قضاوت آنان در پاره از موارد یکدرجه و قطعی فرض شود چندان مورد نگرانی و ایراد نخواهد بود :

سودی مهم تر از این اقدام اینکه درچنین صورت وباین اقدام بی اندازه مفید تشکیلات قضائی کشور نیز در هر نقطه تحت نظر و تعلیمات آزموده این قضات معرجب قرار میگردد و این اشخاص بخوبی میتوانند وزارت عدلیه را همواره از چگونگی گردش کارها و خیر و صلاح امور قضائی کشور مستحضر ساخته پیش بینی ها و پیشنهاد های مفید و مقتضی بنمایند !

۳ - قانون امور قضائی لرستان مصوب هیجدهم تیر ماه ۱۳۱۲ که مشتمل است بر سه ماده و ماده سوم آنرا از ۲۵ تیرماه ۱۳۱۲ قابل اجراء دانسته است :

بموجب ماده اول این قانون « دولت مجاز است برای امور قضائی و اداری لرستان بجای قوانین عادی باستثنای قوانین مجازاتی و قوانین ثبت در آن قسمتیکه مربوط بترتیب ثبت املاک و رسمیت اسناد است

نظامنامه ای تدوین کرده و بموقع اجراء گذارد - سه سال پس از تاریخ اجرای این قانون قوانین عادی بقوت خود برخواهد گشت :

در ماده دوم برای رسیدگی بدعاوی بین افراد ایلات ساکن لرستان با یکدیگر و یا دعاوی آنها در لرستان با سایر اشخاص هیئت حاکمه ای مرکب از سه نفر مقرر و از آن استثناء شده است مواردی که مطابق نظامنامه هیئت وزراء محاکم عادی مرجع رسیدگی باشد :

احکام هیئت حاکمه مذکوره در دعاوی که مدعی به آن از پنجاهزار ریال تجاوز نکند قطعی و غیر قابل شکایت خواهد بود رسیدگی استینافی بدعاوی که مدعی به آن از مبلغ مزبور تجاوز کند بمعهده محکمه ای مرکب از سه نفر خواهد بود که در تهران تشکیل میشود - حکم این محکمه قابل تمیز نیست :

هیئت مذکور در قسمت اول این ماده بامور جزائی نیز که مطابق قانون جنحه تشخیص شده رسیدگی خواهد کرد و حکم آن در صورتیکه بدو ماه حبس یا کمتر و یا بجزای نقدی صادر شده باشد قطعی و غیر قابل شکایت است و در غیر اینصورت در یکی از شعب جزائی محکمه استیناف غرب بآن رسیدگی خواهد شد .

هیئت وزیران برای اجرای این قانون دو تصویب نامه صادر نموده است یکی مصوب جلسه ۱۶ مرداد ماه ۱۳۱۲ که مقرر میدارد :

« محکمه که بموجب ماده دوم قانون راجعه بامور قضائی و اداری لرستان مصوب هیجدهم تیر ماه ۱۳۱۲ تشکیل میشود مرکب خواهد بود از سه نفر نمایندگان وزارت عدلیه و داخله و مالیه و محکمه مزبور دارای یک نفر مدعی العموم خواهد بود که از طرف عدلیه معین میشود » تصویب نامه دیگر در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۱۲ صادر و نظر بماده اول قانون مزبور مشتمل بر چهار ماده خلاصه مقرر داشته است که :

اقامه دعوی در محکمه مزبوره بموجب دادخواست شفاهی نیز ممکن است بعمل آید :

آن محکمه میتواند در طرز رسیدگی هر ترتیبی را که با وضعیات محل

و سنخ دعوی مناسب میدانند اتخاذ کنند و آن ترتیبات حتی المقدور باید با مقررات محاکمه اختصاری اصول محاکمات حقوقی نزدیک باشد :

محکمه مذکور در دعاوی شهادت شهود را اگر چه مدعا به بیش از پانصد ریال باشد نیز می پذیرد و بر طبق علمی که برای او از ملاحظه اسناد کتبی و شهادت شهود و تحقیقات محلی و سایر امارات و قرائن حاصل میشود حکم میدهد :

نسبت بهزینه دادرسی قبلا چیزی گرفته نمیشود و پس از صدور حکم و اجرای آن بضمیمه حق الاجراء از محکوم له گرفته خواهد شد و او میتواند ضمن عرضحال بدوی یا بعد از صدور حکم از محکوم علیه مطالبه نماید :

در این مورد هم علاوه از تخلف اصولی و تبعیض بی فلسفه و موجبی که در مقررات آن وجود دارد نکته قابل توجه تر اینکه هم قانون گذار در وضع این قانون به تمییه و ابهام بر گذار نموده و هم هیئت وزیران از حدود اختیار تجاوز نموده است زیرا :

در قسمتی از ماده اول مقرر است که سه سال پس از اجرای این قانون قوانین عادی بقوت خود بر خواهد گشت و معلوم نیست که منظور از بین رفتن ترتیب خاص رسیدگی مقرر در نظامنامه است بدون آنکه سازمان قضائی آنها منحل گردد یا آنکه آنها از بین خواهد رفت و مبنی بر هر يك از این فرض میبایستی الغاء بعض یا کل قانون تصریح شده باشد و نشده است .

در ماده دوم این قانون فقط اختیار تعیین هیئت حاکمه بهیئت وزیران داده شده است و بدیهی است این تفویض خلاف اصول مقرر در مبحث « اقتدارات محاکمات » متمم قانون اساسی مجوز تخلف از آن اصول (راجع بشرابط تعیین قضات) نبوده و هیئت وزیران نمیبایستی هیئت حاکمه مزبوره را بختلط از اعضاء عدلیه و داخله و مالیه تشکیل داده باشد و چنین اختیاری نمیتوانست داشته باشد همچنین نمیتوانسته است آنها را مجاز نماید که در مازاد از پانصد ریال هم استماع شهادت را مطلقاً (و اعم از عقود و ایقاعات و تعهدات و حتی اسناد) مستند قرار داده مانند نواب عام امام علیه السلام قضاء بعلم نمایند .

علی ای حال و نظر بجهت فوق و ایرادات دیگری که در موارد مشابه آن ذکر شده وجود یکچنین ترتیبی هم ولو برای لرستان خلاف اصول و مخالف شئون امنیت قضائی کشور و بنام اجرای عدالت و تعمیم دادگستری شایسته است صریحاً و بطور کلی الغاء گردد و در این زمینه نیز مطابق ترتیب مذکور در شق دوم رفتار شود .

۴ - قانون طرز وصول عوارض شهرداری (که مبنای پیدایش کمیسیون تشخیص در آن مؤسسه معرفی شده است) :

این قانون که مشتمل بر ماده واحد و در ۱۱ مرداد ۱۳۱۶ از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است عیناً نقل میشود .

« ماده واحد - مجلس شورای ملی بوزارت داخله اجازه میدهد که نظامنامه ای برای طرز وصول عوارض شهرداری و جرائم مستنکفین از پرداخت عوارض مزبور تنظیم و پس از تصویب کمیسیونهای پارلمانی داخله و عدلیه بموقع اجرا بگذارد » :

در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۱۷ آئین نامه فوق الذکر شتمل بر چهل و دو ماده بتصویب کمیسیونهای دادگستری و کشور رسیده است که طی سه ماده اول تا سوم آن کسانی را که در مواعد معینه عوارض مزبور را نپردازند مستنکف شناخته و بتناسب موارد از نیم عشر تا دو برابر آن عوارض جریمه و بعضی از آنها را از مرتکبین قاچاق مقرر داشته است :

در ماده ۴ مأمورین وصول درآمد شهرداری را مکلف نموده است که بمستنکفین اخطار نمایند بدهی خود را اگر متوقف درمحل باشند ظرف یکماه و در صورت توقف در سایر شهرها در ظرف دو ماه بپردازند و در ماده پنجم بمعترضین نیز حق داده است که در ظرف همان مدت بر آن اخطار اعتراض کرده دلائل و اسناد و مدارک خود را بدفتر شهر داری یا دفتر اداره وصول شهرداری تسلیم و رسید دریافت نمایند . پایان این ماده جملات ذیل است :

« باین اعتراض شهرداری رسیدگی نموده نتیجه را بمعترض اعلام میدارد » بدون آنکه لاقلاً طرز رسیدگی تعیین و ترتیب مصرحی برای آن قید شده باشد :

بعد از این چند ماده طرز وصول عوارض مورد مطالبه را بوسیله توقیف و استیفاء از ثلث یا ربع حقوق اداری مؤدی (اگر اداری بوده و حقوق داشته باشد) یا از وجوه و اموالی که از او بدست آورند دقیقاً و شدیداً دستور داده سپس در ماده ۴۰ لطفاً مقرر داشته است که :

اگر کسی بر رسیدگی اداره شهرداری تسلیم نبوده یا آنکه بادعای بدهکار نبودن توقیف وجوه یا اموال خود را بيمورد بدانند میتواند در طی عملیات اداره شهرداری بيار که بدایت محل شکایت نماید . بشرط آنکه بدهی تشخیص شده ومورد شکایت خود را منضمّاً بشکایت نامه مزبوره تسلیم وپار که را معتار نماید که در صورت وارد نداشتن تمام یا قسمتی از اعتراضات مبلغ بدهی را از آن ودیعه مستقیماً بشهررداری بپردازد :

در این صورت پار که شکایت را قبول نموده بشهررداری اطلاع میدهد که بعملیات اجرائی مبادرت نکرده یا آنرا در حال وقفه نگاهدارد و بعد از این اقدام با خواستن توضیح از شهرداری یا مراجعه به پرونده اظهار نظر مقتضی خواهد کرد و در صورتیکه مقر پار که در خارج از محل شهرداری باشد صلحیه یا دادگاه محل شهرداری را قائم مقام خود قرار میدهد که رسیدگی نموده نتیجه را گزارش دهد و پس از وصول آن گزارش تکلیف وجه ودیعه را معلوم میکند و بعلاوه در نتیجه نسبت بهر قسمتی از مورد اعتراض که به بی اساس تشخیص شود از تاریخ مهلت مقرر در ماده ۴ جریمه تاخیر تادیه تعلق میگیرد که غیر قابل اعتراض است و گرفته خواهد شد :

این بود خلاصه ای از این قانون عجیب و آئین نامه عجیب تر آن که حقیقتاً تأسف آور است زیرا :

طبق اصول قانون اساسی هیچگونه وجهی را بعنوان مالیات یا غیر آن نمیتوان از کسی گرفت مگر بموجب قانون که بدیهی است واضح آن هم فقط قوه مقننه میباشد ومجلس شورای ملی هم در این باب حق توکیل غیر ندارد ونیتواند این حق را بمهد معسودی از اعضاء خود یا مقام دیگری تفویض نماید .

آئین نامه هم بعد از تعیین جریمه های شدید ودستور تشدید در مطالبه عنایت و توجهش نسبت بحقوق معترضین فقط این شده است که رسیدگی

با اعتراضات و حقوق قانونی آنان را در اختیار شهرداری که خود مدعی و مطالب آن میباشد گذاشته و مرجع شکایت از رسیدگی بی رویه شهرداری را هم بیار که محل که صلاحیت قضائی آن نیز مشکوک میباشد معین کرده است . از این دو قسمت عجیب تر رویه شهرداریها در رسیدگی است که کمیسیونی بنام کمیسیون تشخیص مرکب از کارمندان خود تشکیل و اینان که از نظر مسئولیت اداری طبیعتاً فاقد جنبه بی طرفی هستند (حتی بدون آنکه نماینده‌ای از طبقه مؤدی در آن شرکت داشته باشند تصمیمی) اتخاذ نمایند و اجرا میشود .

با توضیح این مراتب مسلم است که هم وضع قانون مزبور و هم مقررات آئین‌نامه آن برخلاف اصول و منافی باشون استقلال مملکت و امنیت قضائی کشور میباشد و بهترین رویه اصولی و موافق عدالت در این باب این است که بعد از تعیین بدهی مؤدی و اخطار باو و اعتراض بر آن رسیدگی با اعتراضات در مراجع قضائی دادگستری بعمل آید و طرز مقرر در آئین‌نامه هم چنین تشکیل کمیسیونی بعنوان کمیسیون تشخیص یا غیر آن مطلقاً بی مورد و برخلاف اصول و عدالت بوده و باید الفاء گردد :

۵ - قانون تشدید مجازات اشخاص بد سابقه - و شرور مصوب ۱۳۲۲ . مرداد ۱۳۲۲ .

این قانون که نیز مشتمل بر ماده واحده میباشد چنین مقرر داشته است :
 « وزارت کشور میتواند اشخاص بد سابقه و شرور از قبیل چاقو کش و دزد و جیب بر و امثال آنها را که سابقه ارتکاب اینگونه اعمال را دارند برای مدت معینی از دو ماه تا دو سال تبعید یا بازداشت نماید :
 اجرای این قانون بموجب آئین‌نامه هائیکه از طرف وزارت دادگستری و وزارت کشور تنظیم و بتصویب هیئت وزیران میرسد خواهد بود »

در تاریخ ۲۶ ر ۱۳۲۲ آئین‌نامه اجرایی آن طی ۹ ماده و دو تبصره تدوین گردیده و مقررات آن از این قرار است :
 برای تهیه صورت اسامی اشخاص بد سابقه و شرور از قبیل چاقو کش و دزد و جیب بر و امثال آنها کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت کشور

و شهربانی و دادستان هر محل تشکیل می‌گردد .

اداره شهربانی هر محل صورت اسامی مزبور را با ذکر سوابق آنها اعم از آنکه منتهی بمحکومیت شده یا نشده باشد تهیه و بکمسیون تسلیم خواهد کرد :

کمسیون پس از استماع گزارش کتبی یا شفاهی نماینده شهربانی نسبت بهر يك از اشخاص منظور نظر خود را اعلام خواهد نمود و همچنین راجع بپارداشت یا تبعید و مدت و محل تبعید آنها اظهار نظر خواهد کرد و نظر اکثریت کمسیون مناط اعتبار خواهد بود :

داد سرای نظامی یا غیر نظامی نیز میتواند فهرستی از اشخاص مندرج در قانون تهیه و تسلیم کمسیون نماید تا به ترتیب بالا از طرف کمسیون نسبت بآنها اظهار نظر شود :

تصمیم اکثریت کمسیون باتصویت استاندار یا فرماندار-نماینده وزارت کشور موقتا بوسیله شهربانی یا ژاندارمری بموقع اجراء گذارده میشود :
استاندار یا فرماندار مراتب را بوزارت کشور گزارش میدهد و وزارت کشور تصمیم خود را ابلاغ خواهد نمود .

کمسیون پس از بررسی لازم گزارش خود را که متضمن صورت اسامی اشخاص بد سابقه و شرور است با اظهار نظر نسبت بهر يك از آنها و تعیین مدت بازداشت و تبعید بوزارت کشور خواهد فرستاد .

وزارت کشور پس از بررسی نسبت بگزارش کمسیون تصمیم مقتضی اتخاذ نموده لدی‌الاقضا امر باجراء خواهد داد و اگر توضیحاتی لازم داشته باشد بوسیله اداره کل شهربانی در مرکز و فرمانداری در شهرستانها خواهد خواست .

حکم وزارت کشور لازم‌الاجراء است و بکسی که مورد تبعید یا بازداشت واقع میشود ابلاغ می‌گردد و او میتواند درطرف ده روز بارعایت مسافت (از قرار هر ۳۶ کیلومتر يك روز) بوزارت کشور شکایت نماید .
در وزارت کشور کمسیون تشکیل میشود مرکب از پنج نفر که دو نفر از وزارت دادگستری بتعین وزیر دادگستری و دو نفر از طرف

وزارت کشور بتعیین وزیر کشور و یکنفر از طرف اداره کل شهربانی بتعیین رئیس کل شهربانی :

این کمیسیون بشکایت رسیدگی مینماید و رایش با کثرت قطعی بوده وزارت کشور آنرا اجرا مینماید :

اشخاصیکه تبعید میشوند تحت نظر شهربانی خواهند بود و پس از خاتمه دوره بازداشت یا تبعید در هر محلی که مایل باشند اقامت خواهند نمود ولی باید محل اقامت خود را باداره شهربانی محل تبعید و محل اقامت جدید اطلاع بدهند :

اداره شهربانی مکلف است پس از وصول امر وزارت کشور بلافاصله آنرا بموقع اجرا بگذارد و نتیجه را بوزارت کشور اطلاع دهد :

شخص بازداشت یا تبعید شده در صورتیکه نصف از مدت تبعید یا بازداشت خود را گذرانید حقیق دارد از وزارت کشور تقاضا کند از بقیه بازداشت یا تبعید مقرر بخشوده شود .

کمیسیون مربوطه با این تقاضا موافقت خواهد نمود مشروط بر اینکه طرز رفتار آن شخص در مدت گذشته نشان دهد که از کرده خود پشیمان و اصلاح شده است :

در صورتیکه بقیه مدت بازداشت یا تبعید نسبت بشخصی بخشوده شده باشد و بعد از آزادی مجدداً مرتکب شرارت های مذکور در ماده اول شود علاوه بر مجازات مقرر مجازات مدت بخشوده هم در باره آن شخص اجراء خواهد شد :

البته هر ایرانی عاقل و بصیری خواهان امنیت و آرامش کامل وطن خود میباشد . و برای جلوگیری از شرارت و اعمال خلاف انتظام مرتکبین شدیدترین مجازات را بمورد میداند ولی بدیهی است که این منظور بایستی با حفظ اصول و با رعایت مقررات قوانین کشور بعمل آید . باین ترتیب که قانون مجازات این قبیل اعمال و کیفیت رسیدگی و اجرای آن دقیقاً از طرف مقام مقنن وضع و درمراجع قضائی رسیدگی گردد و قوه مجریه فقط مأمور اجرائی آن باشد . و احاله موضوع کلیتاً بنظر و تصویب هیئت وزیران

و دادن اختیار با اداره شهربانی یا داد سرا و کمیسیون مختلطی برای مجازات بازداشت یا تبعید اشخاص مورد اتهام حتی کسانی که اتهامشان منتهی به محکومیتی نشده است هم برخلاف اصل انفکاک قوا و هم مخالف مصلحت اجتماع است که حقوق افراد دست خوش اعمال اغراض و در معرض استغادات سوء متصدیان یا اطرافیان شان قرار گیرد و با دادن اختیار بازداشت فوری این نوع مرتکبین نیاز پرسان قضائی و سپس رسیدگی بموارد اتهام در داد گاههای صلاحیت دار هر گونه احتمالات سوء پیش بینی و از هر جهت منظور از استقرار انتظام و امنیت قضائی تامین گردیده و میگردد .

ارسالان خلعت بری

نشر اکاذیب

ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومی

در سال ۱۳۱۳ ماده واحده ذیل بعنوان ۲۶۹ مکرر بقانون مجازات عمومی افزوده شده :

« ماده ۲۶۹ مکرر - الف - اگر کسی بقصد متهم نمودن غیرآلات و ادوات جرم و یا اشیاء حاصله از آن و یا اشیائی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او میگردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا دکان یا مغاره و یا جیب و یا اشیائی که متعلق باوست بگذارد یا مخفی کند و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد پس از ثبوت براءت آن شخص مرتکب بطریق ذیل مجازات خواهد شد .

۱ - در صورتیکه قصد او از آن عمل متهم ساختن غیر بارتکاب جنحه بوده بحبس تأدیبی از یکماه الی شش ماه .